

# بررسی بازار جهانی شیر و فرآورده‌های لبنی (پنیر و شیر خشک)، طی سالهای ۱۹۸۸-۹۴ و وضعیت آن در ایران - بخش اول: تولید

## جمشید فهیمی فر

کدام در جای خود یکی از نیازهای اساسی بدن انسان را تأمین می‌نمایند.

پنیر فرآورده‌ای است تخمیر شده یا نشده که به دنبال انعقاد شیر، خامه، شیر بدون چربی یا مخلوط آنها بدست می‌آید. حداقل ماده جامد پنیر، باید ۲۳ درصد باشد. (۱) پنیرهای تمام چرب، نظیر، چدار (۲) و انواع (جامد) معمول دیگر، تقریباً ۳۶ درصد رطوبت، ۳۴ درصد چربی، ۲۴ درصد پروتئین، ۱/۷ درصد نمک و ۴/۳ درصد مواد دیگر شیر را دارا می‌باشند. در این نوع پنیرها از جهت ارزش غذایی، ۱۷۸۴ کالری انرژی در هر کیلوگرم موجود می‌باشد.

پنیرها برحسب درجه غلظت، روش

انواع شیر برحسب شکل ارائه شده، عمدتاً به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: شیر تازه و شیر خشک.

شیر در بین غذاها، مناسبترین و متعادلترین ترکیبات را دارا بوده و به این دلیل آن را غذای کامل نیز می‌نامند. شیر در کلیه مراحل رشد انسان نقش مهمی را در تغذیه انسان دارد. میزان مصرف روزانه شیر و سایر فرآورده‌های لبنی هر فرد در یک کشور، نشانه‌ای از وضعیت تغذیه و بهداشت در آن کشور و نشان‌دهنده پیشرفت دامداری و تاحدودی سلامت افراد آن جامعه می‌باشد. در شیر موادی از قبیل: پروتئینها، چربیها، لاکتوز (قند شیر)، املاح معدنی و ویتامینها یافت می‌شوند که هر

۱. مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی، اطلاعات بازرگانی، شماره ۴ (تهران: مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی، بی تا)، ص ۱۱.

۲. چدار نام قصبه‌ای در ناحیه روستائی اکسبریج (Axbridge) از نواحی سامرست (Somerset) انگلستان است که در جنوب غربی بریستل (Bristol) قرار دارد. پنیر این محل که سابقه تولید آن به حدود قرن شانزدهم می‌رسد، از جهت طعم بسیار معروف است.

تهیه، میزان و نوع عمل آوردن به انواع مختلف زیر تقسیم می‌شوند:

۱- پنیرهای سفت و سخت (*Hard Cheeses*)، شامل: پنیرهای رنده شده که به مدت زیادی سالم باقی می‌مانند، پنیرهای حجیم با درجه حرارت پخت بالا، پنیرهای انگلیسی نسبتاً اسیدی.

۲- پنیرهای نیمه سخت (*Semihard Cheeses*) شامل: پنیرهای نوع هلندی، پنیرهای نوع تیلستر (*Tilsiter*)، پنیرهای نوع ایتالیائی.

۳- پنیرهای نیمه نرم شامل: پنیرهای پورت سالوت، سن پائولین، تراپیست، ایتالیکو و باترکیس.

۴- پنیرهای نرم (*Soft Cheeses*)، این نوع پنیرها به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: الف- پنیرهای کلا" سفید و نرم که بهترین آنها، پنیر کامبرت (*Camembert*) فرانسه است. نوع دیگر آن "بری" (*Brie*) می‌باشد. پنیر کامبرت از شیر گاو و به کمک مایه پنیر تهیه می‌شود. ساخت پنیر مزبور، از سال ۱۷۹۱ در فرانسه آغاز شد و در حال حاضر در اکثر نقاط جهان تهیه می‌گردد. ب- پنیرهایی که سطح خارجی آنها قرمزاندود شده باشند.

۵- بلوچیز (*Blue Cheeses*).

۶- پنیرهای حاصل از شیر بز.

۷- پنیرهای نارس.

در حال حاضر در ایران، انواع پنیرهای

بلغار، تبریز و ليقوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در ایران، برای تهیه پنیر از مایه پنیر استفاده می‌شود. این مایه خود به دو صورت بدست می‌آید: اول، آنکه ماده پنیری شیر را از مایع شیر جدا کرده و برای تهیه پنیر از آن استفاده می‌کنند و دوم، آنکه مایه جوهر یا خمیره‌ای است که در شیره معده کلیه حیوانات وجود داشته و معمولاً مایه معده گوساله را جهت تهیه پنیر به شیر اضافه می‌نمایند. امروزه، مایه پنیر مصنوعی به میزان فراوانی تهیه شده و در دسترس متقاضیان قرار می‌گیرد. این مایه به دو صورت موجود می‌باشد: اول، به صورت مایع که یک قسمت آن برای ده هزار قسمت شیر کافی بوده و دوم، به شکل گرد که یک قسمت آن برای صد هزار قسمت شیر کفایت می‌کند.

تولید پنیر، احتمالاً از زمانی آغاز گشت که بشر توانست شیر حیوانات وحشی و یا اهلی را دوشیده و در اختیار خود بگیرد. روش کارخانه‌ای تولید پنیر، در اواخر قرن نوزدهم معمول گشت، با این توضیح که اولین کارخانجات، شیر مورد نیاز خود را از تعداد معدودی کشاورز تهیه می‌نمودند. ظرفیت این کارخانجات به تدریج که امکانات حمل و نقل، میزان کنترل کیفیت شیر، علم و اصول مربوط به تولید پنیر و روشهای مکانیکی بسته‌بندی شیر و کشک، توسعه پیدا کرد، افزایش یافت.

پنیر ایران به لحاظ مراحل تولید، مشابه برخی از پنیرهای نرم فرنگی است و به لحاظ فرآیند فیزیکی و ابعاد لخته، شبیه پنیر کامبرت می‌باشد. ابعاد لخته‌ها در چنین پنیرهایی (۱/۵×۱/۵) سانتی‌متر است و این لخته‌ها بسیار نرم و آسیب‌پذیرند<sup>(۱)</sup> پنیرهای آب‌نمکی، کوزه، کوپه‌ای، گل، شور، دلمه و خیک، از جمله مهم‌ترین پنیرهای منطقه‌ای ایران می‌باشند.<sup>(۲)</sup>

## تولید

در بررسی بازار جهانی پنیر و شیرخشک، از جنبه‌های تولید، مصرف، قیمت و تجارت خارجی، لازم است که تا حدودی به بازار شیر و حیوانات سایر فرآورده‌های لبنی نیز پرداخته شود؛ چرا که اولاً اطلاعات موجود شامل اطلاعات کلیه فرآورده‌ها بوده که به صورت ترکیبی ارائه گشته‌اند و تفکیک بین آنها تا حدودی غیرممکن می‌نماید، ثانیاً پرداختن به یک فرآورده، بدون توجه به سایر فرآورده‌ها، از آنجا که بازار انواع لبنیات تا حدودی بازار

واحد بشمار می‌روند و خصوصیات مشترکی نیز دارند کارچندان معقولی نیست. به همین دلیل بررسی حاضر شامل شیر و کلیه فرآورده‌های لبنی و با تأکید بر پنیر و شیرخشک می‌باشد، که طی دوره ۱۹۸۸-۹۴ صورت می‌گیرد. در این بررسی، موقعیت ایران نیز از جنبه‌های یاد شده مورد توجه قرار می‌گیرد.

در سال ۱۹۸۸، تولید جهانی شیر یک درصد افزایش یافته و کاهش تولید در جامعه اقتصادی اروپا و سایر کشورهای اروپای غربی، از طریق افزایش تولید در ایالات متحده آمریکا (علی‌رغم خشکسالی)، کانادا، هند، زلاندنو، اروپای شرقی و به میزان بیشتر در شوروی سابق، جبران گردیده است.<sup>(۳)</sup>

در سال ۱۹۸۸ تولید جهانی پنیر به ۱۴/۳ میلیون تن رسیده<sup>(۴)</sup> و در کل، این تولید از ۱۱/۵ میلیون تن در سال ۱۹۸۱ به ۱۴/۳ میلیون تن در سال ۱۹۸۸ افزایش یافته است.<sup>(۵)</sup> در سال ۱۹۸۸، اروپا، آمریکای شمالی و مرکزی، شوروی سابق، آسیا، آمریکای جنوبی، آفریقا و اقیانوسیه، به ترتیب با ۴۷/۸، ۲۴، ۱۳/۹، ۵/۲، ۳/۸،

(۱) احمد جراح‌باشی رضوی. "تولید پنیر صنعتی"، کشاورز، شماره ۱۵۳ (شهریور ۷۱).

(۲) محمدرضا احسانی. "پنیرسازی در ایران"، سنبله، شماره ۷، (بهمن ۶۷).

(3). U.N, *The Milk and Dalry Products Market* (New York: UN Pub., 1989), P.2.

(4). FAO, *Production Yearbook, 1990* (Rome: FAO Pub., 1991), P.223.

(5). *Ibid.*

۳/۳ و ۲/۱ درصد سهم از کل تولید جهانی پنیر، مقامهای اول تا هفتم را داشته‌اند.

---

**تولید جهانی شیر طی سالهای ۱۹۸۸-۹۲، ۲/۱ درصد کاهش یافته است.**

---

طی همین سال، در اروپا، کشورهای فرانسه و آلمان غربی سابق، در آمریکای مرکزی و شمالی، کشورهای ایالات متحده آمریکا و کانادا؛ در آسیا، کشورهای ترکیه و جمهوری اسلامی ایران؛ در آمریکای جنوبی کشور آرژانتین؛ در آفریقا کشور مصر و در اقیانوسیه کشور استرالیا، از عمده‌ترین تولیدکنندگان این فرآورده لبنی بوده‌اند. در کل، در گروه کشورهای توسعه یافته، تولید سالانه پنیر از متوسط حدود ۱۰ میلیون تن، طی سالهای ۱۹۷۹-۸۱، به حدود ۱۲/۵ میلیون تن در سال ۱۹۸۸ افزایش یافته که سهم گروه مذکور از کل تولید جهانی پنیر حدود ۸۷/۴ درصد گردیده که نتیجتاً سهم گروه کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۸، برابر ۱۲/۶ درصد بوده است.<sup>(۱)</sup>

---

**تولید جهانی پنیر طی دوره ۱۹۸۸-۹۲، ۱/۴ درصد افزایش یافته است.**

---

در سال ۱۹۸۸، تولید جهانی شیرخشک پرچربی (از شیر گاو) به حدود ۲/۱ میلیون تن رسید که در مقایسه با سال ۱۹۸۶ به میزان یکصد هزار تن افزایش نشان می‌دهد. این تولید در مقایسه با متوسط تولید در سالهای ۱۹۷۹-۸۱ (۱/۷ میلیون تن)، حدود ۴۰۰ هزار تن رشد نموده است.<sup>(۲)</sup> در سال مزبور، اروپا با رقم ۹۷۰/۷ هزار تن، آمریکای جنوبی با رقم ۳۲۹/۹ هزار تن و شوروی سابق با رقم ۳۲۰ هزار تن، به ترتیب مراتب اول تا سوم را در رده بندی تولید کشورها داشته‌اند. سهم آنها از کل تولید جهانی به ترتیب ۴۵/۶، ۱۵/۵ و ۱۵ درصد بوده است. اقیانوسیه با ۱۱/۶، آمریکای شمالی و مرکزی با ۶/۶، آسیا با ۵/۲ و آفریقا با ۰/۶ درصد از کل سهم جهانی، به ترتیب در مراتب بعدی جای داشته‌اند.

---

**تولید جهانی شیرخشک بدون چربی، طی سالهای ۱۹۸۸-۹۲، ۹ درصد کاهش یافته است.**

---

طی سال ۱۹۸۸، در اروپا، کشورهای فرانسه، هلند، آلمان غربی سابق و انگلستان، از جمله عمده‌ترین تولیدکنندگان شیرخشک پرچربی گزارش

---

(1). *Ibid*, P.101.

(2). *Ibid*, P.102.

گردیده‌اند. میزان تولید این کشورها بین حداقل ۱۰۳/۸ هزار تن (انگلستان) و حداکثر ۲۰۹ هزار تن (فرانسه) در نوسان بوده است. در آمریکای جنوبی، کشورهای برزیل، آرژانتین و ونزوئلا؛ در اقیانوسیه، کشورهای استرالیا و زلاندنو؛ در آمریکای شمالی و مرکزی، کشورهای ایالات متحده آمریکا و مکزیک؛ در آسیا، کشورهای ژاپن (۸۲/۷ درصد از کل تولید آسیا)، کره جنوبی و سریلانکا و در آفریقا، کشورهای کنیا، آفریقای جنوبی و زیمبابوه، به ترتیب جزء تولیدکنندگان عمده تلقی گردیده‌اند. طی سال ۱۹۸۸ در کل، گروه کشورهای توسعه یافته، ۸۱/۱ درصد از کل تولید جهانی شیرخشک پرچربی را به خود اختصاص داده‌اند. در این خصوص، سهم گروه کشورهای در حال توسعه فقط ۱۸/۹ درصد گزارش گردیده است. (۱)

طی سال ۱۹۸۸ در جهان شیرخشک بدون چربی و پودر دوغ کره (buttermilk) جمعاً بالغ بر حدود ۳/۹ میلیون تن تولید گردیده‌اند. متوسط این رقم طی سالهای ۱۹۷۹-۸۱، حدود ۴/۲ میلیون تن بوده است.

به این ترتیب، تولید محصولات مزبور، طی سالهای ۱۹۷۹-۸۹، به میزان ۰/۳ میلیون تن کاهش یافته که عمدتاً در اروپا

صورت گرفته است (۲۶/۸ درصد). به‌طور کلی، تولید فرآورده‌های مذکور، طی سالهای ۱۹۷۹-۸۸، در آفریقا، آمریکای شمالی و مرکزی و اروپا کاهش و در آمریکای جنوبی، اقیانوسیه و شوروی سابق افزایش داشته است. (۳)

در سال ۱۹۸۸، اروپا (۲۰۰۸/۸ هزار تن)، شوروی سابق (۶۹۰ هزار تن)، آمریکای شمالی و مرکزی (۵۹۲/۲ هزار تن)، اقیانوسیه (۳۲۵/۸ هزار تن)، آسیا (۲۰۴/۷ هزار تن)، آمریکای جنوبی (۳۸/۴ هزار تن) و آفریقا (۱۶/۵ هزار تن)، به ترتیب اولین تا هفتمین مکان را در تولید شیرخشک بدون چربی و پودر دوغ کره داشته‌اند. به این ترتیب، اروپا با سهمی برابر ۵۱/۸ درصد از کل تولید جهانی، بزرگترین تولیدکننده این قبیل فرآورده‌های لبنی بوده است.

در این منطقه از جهان، فرانسه و آلمان غربی سابق بزرگترین تولیدکنندگان گزارش گردیده‌اند. رقم تولید لهستان و یوگسلاوی سابق نیز قابل ملاحظه بوده است (به ترتیب ۱۳۶/۹ و ۱۵۸/۹ هزار تن). در آمریکای شمالی و مرکزی، ایالات متحده آمریکا، ۷۹/۵ درصد از کل تولید این منطقه را به خود اختصاص داده و پس از آن کانادا قرار گرفته است (۱۹/۲ درصد).

(۳). آمار شیرخشک بدون چربی همراه با آمار آن ارائه گردیده است.

(1). *Ibid*, P.102

(3). *Ibid*.

به‌طور کلی، در اقیانوسیه کشور زلاندنو؛ در آسیا کشور ژاپن؛ در آمریکای جنوبی کشور آرژانتین و در آفریقا کشور آفریقای جنوبی، از جمله کشورهای عمده تولیدکننده، گزارش گردیده‌اند.

---

سهم گروه کشورهای در حال توسعه، از کل تولید جهانی شیر خشک تمام چربی، طی سالهای ۱۹۸۸-۹۲، از ۱۹/۲ به ۲۰/۹ درصد افزایش یافته است.

---

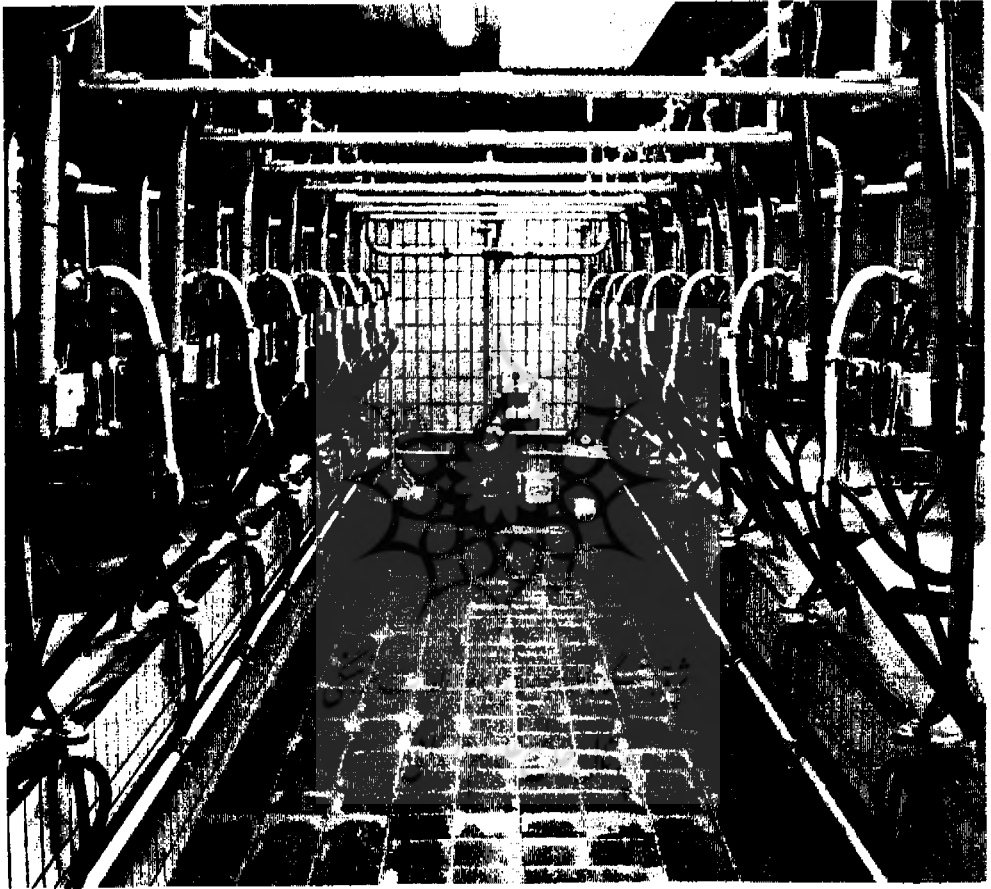
در سال ۱۹۸۹، برای سومین سال پیاپی، تولید جهانی شیر رشد کمی را نشان داد. (۱) بدین ترتیب این تولید در واقع با رکود مواجه بوده است. این رکود در پی ادامه محدودسازی تولید در بسیاری از کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی، بدی شرایط آب و هوایی در برخی از کشورهای تولیدکننده عمده و بالا بودن قیمت کنسانتره خوراک دام در سال زراعی ۱۹۸۸/۸۹ و نیز کندی عمومی تقاضای مصرف‌کنندگان، رخ داده است. در اروپای غربی و کانادا، در فروش شیر به صنایع، برای تولیدکنندگان، سهمیه در نظر گرفته شده است. (۲) تولید فرآورده‌های لبنی در ایالات متحده آمریکا به دلیل بالا بودن هزینه خوراک دام که

در نتیجه کمبود تولید غلات و نیز دانه‌های روغنی بروز نموده، محدود گشت. در سال مذکور، تولید شیر در استرالیا تا حدودی افزایش یافته، ولی این تولید در زلاندنو و بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، به دلیل نامساعد بودن شرایط جوی در سال زراعی ۱۹۸۸/۸۹ سخت تحت تأثیر قرار گرفته است. علاوه بر آن، در شوروی سابق، قسمتهایی از اروپای شرقی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه غرب آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، رشد تولید شیر به دلیل عرضه نامناسب علوفه داخلی و نیز خارجی و بالا بودن قیمت کنسانتره خوراک دام، با محدودیت جدی روبه‌رو گردیده است. لازم به توضیح است که در همین سال سهم قابل توجهی از مصرف خوراک دام در این کشورها، از محل واردات تأمین گردیده است. در سال مذکور، تولید شیر در کشورهای جنوب و شرق آسیا، به دلیل رشد سریع اقتصادی و وجود تقاضای قوی جهت شیر و فرآورده‌های مربوط به آن، تا آن اندازه افزایش یافت که صنعت لبنی آنها را دچار تحول نمود. در هند، تولید شیر طی سالهای زراعی ۱۹۸۸/۸۹ و ۱۹۸۹/۹۰، به دنبال عرضه کافی خوراک دام، به همراه

---

(1). FAO., *Commodity Review and Outlook, 89-90* (Rome: FAO Pub., 89), P.70.

(2). تحویل شیر از دامدان به کارخانجات شیر، طبق سهمیه‌های مشخص شده صورت می‌گیرد و مازاد بر میزان سهمیه تعیین شده شامل جریمه می‌شود.



آمریکا و هند به رقم رکوردگونه‌ای در طی چند سال قبل رسید.<sup>(۲)</sup>

در سال زراعی ۱۹۸۹/۹۰، اروپا با افزایشی در سهمیه‌های تولید و کاهش قیمت‌های حمایتی، موافقت نمود. سوئد در سال مزبور کلیه نظام‌های سهمیه‌ای خود را منسوخ نمود و در فنلاند محدودیت‌های موجود، موقتاً به حالت تعلیق درآمدند. ولی سوئیس و اتریش سهمیه‌های خود را حفظ و قیمت‌های تولیدکننده را افزایش دادند. در کانادا نیز، قیمت حمایتی افزایش داده شد، اگرچه در این کشور سهمیه‌ها به منظور تعدیل عرضه، جهت کاهش مصرف داخلی، کاهش داده شدند. در ژاپن، اگرچه سهمیه‌ها افزایش یافتند، ولی قیمت حمایتی در مقایسه با سال ۱۹۸۹ به میزان بیشتری کاهش داده شد و لذا رشد تولید کمتر شد.<sup>(۳)</sup> برعکس، در ایالات متحده آمریکا، نرخ رشد تولید، به دلیل کاهش هزینه خوراک دام، افزایش یافت و از طرف دیگر تقاضای قوی داخلی، جهت پروتئین شیر، بازدهی تولید شیر را در این کشور نسبتاً بالا برد. در شوروی سابق، تولید شیر به میزان جزئی افزایش یافت و به رقم بی سابقه ۱۰۹ میلیون تن رسید.

در کل، تولید شیر در قسمتهای عمده‌ای از اروپای شرقی به دلیل پائین بودن تقاضا از

سیاست‌های توسعه‌ای دولت و تقاضای بالای مصرف کنندگان، به میزان معنی‌داری رشد نمود. در شرق آسیا، در کشورهای تایلند، اندونزی و کوره جنوبی تولید شیر روند صعودی خود را حفظ نمود، در حالی که در چین رشد این تولید به دلیل کمبود خوراک دام با وقفه مواجه گردید.

در پی بالا بودن سطح تقاضا، تولید و مصرف شیر در ژاپن نیز، از رشد خوبی برخوردار بود. در این کشور سطح تقاضا تا آن اندازه بالا بود که تولیدکنندگان توانستند سهم قابل توجهی از هزینه تولید را به مصرف کنندگان منتقل نمایند که در این خصوص لازم به ذکر است که دولت ژاپن کاهش قیمت‌های حمایتی جهت شیر و فرآورده‌های لبنی را متوقف نمود. با وجود بالا بودن سهم عرضه داخلی و قیمت‌های جهانی، در سال ۱۹۸۹، واردات ژاپن در خصوص فرآورده‌های لبنی، همچنان نظیر سالهای قبل، قابل توجه بوده است.<sup>(۱)</sup>

در سال ۱۹۹۰، تولید جهانی شیر پس از رکود نسبی در چند سال ماقبل، به میزان ۱/۵ درصد در مقایسه با سال ۱۹۸۹ افزایش یافت. در سال مزبور و در بین چهار تولیدکننده عمده، روند نزولی در کشورهای جامعه اقتصادی اروپا، متوقف و میزان تولید در شوروی سابق، ایالات متحده

(1). *Ibid.*

(2). *Ibid.*, P.93.

(3). *Ibid.*



یک طرف و مشکلات ناشی از ورود به اقتصاد بازار در خصوص خرید شیر و تهیه نهاده‌های تولید، از طرف دیگر، با کاهش مواجه گردید. در استرالیا، تولید در سال ۱۹۸۹/۹۰ با تغییر جزئی همراه بود و در زلاندنو محصول شیر در پی افزایش قیمت‌های جهانی فرآورده‌های لبنی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و بویژه مناسب بودن شرایط آب و هوایی، مجدداً روبه بهبودی نهاد. (۱)

در بین کشورهای در حال توسعه، کشور هند رشد بیشتری را در صنعت لبنیات تجربه نمود. عوامل موثر در این خصوص، شرایط مناسب آب و هوایی، تقاضای بالای مصرف کننده و سیاست‌های مثبت دولت گزارش گردیده‌اند. در کره جنوبی، رشد بلندمدت و سریع این صنعت محدود گردید. در عربستان سعودی، این صنعت با هزینه تولید بالا همچنان به توسعه خود ادامه داد. در آفریقا، صنعت لبنیات در دو کشور صادرکننده خالص، (کنیا و زیمبابوه) تحت شرایط مناسب جوی از وضعیت خوبی برخوردار گردید. در آمریکای لاتین، شیلی از معدود کشورهایی بود که رشد اقتصادی و تقاضای فزاینده در آن، تأثیر عمده‌ای در رشد این صنعت داشته درحالی که فعالیتهای لبنی در آرژانتین تحت تأثیر عوامل نامطلوب آب و هوایی و محدود بودن

تقاضای داخلی، با نتیجه‌ای نامطلوب همراه بوده است. اما در اروگوئه فعالیتهای مزبور به رشد خود ادامه داده، به طوری که در کشور مزبور، رشد این صنعت عمدتاً در راستای صادرات صورت گرفته است. کوبا که در سال ۱۹۹۰ عمیقاً به واردات شیرخشک و سرشیر (*butterfat*) و نیز غلات دامی و کنجاله، جهت تغذیه دامهای خود وابسته بود، با مشکلات فزاینده‌ای مواجه گردید که عمدتاً ناشی از تعدیلات اقتصادی و تغییر الگوهای تجاری سنتی با اروپای شرقی و شوروی سابق، بود. (۲)

---

سهم گروه کشورهای در حال توسعه، از کل تولید جهانی شیر و پنیر، طی سالهای ۱۹۸۸-۹۲، با افزایش همراه بوده است.

---

در سال ۱۹۹۰، در پی تغییر و تحولات در زمینه تولید شیر، کل تولید جهانی پنیر و کشک بالغ بر ۱۴/۵ میلیون تن گردید که در مقایسه با تولید سال ۱۹۸۹ معادل ۰/۷ درصد رشد داشته است. (۳) گروه کشورهای توسعه یافته ۸۷/۷ درصد از کل تولید جهانی را به خود اختصاص داده‌اند، حال آنکه سهم گروه کشورهای در حال توسعه، فقط ۱۲/۳ درصد بوده است. اروپای غربی با رقم ۵۶۷۴ هزار تن، بزرگترین تولیدکننده

(1). *Ibid.*

(2). *Ibid.*

(3). FAO, *Commodity Review and Outlook, 90-91* (Rome: FAO Pub, 1991), P.104.

فرآورده‌های مذکور گزارش گردیده ضمن اینکه تولید جامعه اقتصادی اروپا با رقم ۵۰۰۵ هزار تن - نظیر سالهای قبل - نیز بیشترین بوده است. (۱)

طی سالهای ۱۹۸۸-۹۰، میزان تولید پنیر در شوروی سابق، ۱۰/۷ درصد رشد نمود و از متوسط ۱۹۰۷ هزار تن طی سالهای ۱۹۸۶-۸۸، به ۲۱۱۱ هزار تن رسید. تولید این کشور در سال ۱۹۹۰، در مقام چهارم، پس از اروپای غربی، جامعه اقتصادی اروپا و آمریکای شمالی (عمدتاً ایالات متحده آمریکا با ۳۱۲۷ هزار تن تولید) قرار داشته است. پس از شوروی سابق، اروپای شرقی قرار گرفته که تولید پنیر آن در سال ۱۹۹۰ بالغ بر ۱۲۶۴ هزار تن بوده است. ناگفته نماند که تولید پنیر در این منطقه، طی سالهای ۱۹۸۸-۹۰، دچار کاهش جزئی ۳/۸ درصدی گردیده است. (۲)

(شیرخشک تمام چربی) به گروه کشورهای توسعه یافته تعلق یافته است (۲/۸۰٪). در تولید شیرخشک بدون چربی نیز گروه کشورهای توسعه یافته، نظیر: کانادا و ایالات متحده آمریکا با ۱۲/۳ درصد از کل تولید جهانی، جامعه اقتصادی اروپا با ۳۹/۶ درصد، شوروی سابق با ۱۷/۹ درصد و اقیانوسیه با ۷/۴ درصد حرف اول را می‌زنند. مجموع تولید این کشورها در سال ۱۹۹۰ بالغ بر ۷۷/۳ درصد از کل تولید جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. به این ترتیب، جامعه اروپا بزرگترین تولیدکننده شیرخشک بدون چربی در جهان بوده است.

---

جامعه اقتصادی اروپا، طی دوره ۱۹۸۸-۹۲، همواره در رأس تولیدکنندگان شیر و فرآورده‌های لبنی قرار داشته است.

---

طی سالهای ۱۹۸۶-۹۰، کشورهای اروپای غربی، جامعه اقتصادی اروپا، شوروی سابق، و زلاندنو از جمله تولیدکنندگان عمده شیرخشک تمام چربی گزارش گردیده‌اند. در سال ۱۹۹۰، سهم جامعه اقتصادی اروپا از کل تولید جهانی این نوع فرآورده، ۳۹/۶ درصد بوده است. اضافه می‌شود که تولید جامعه، در سال

در سال ۱۹۹۰ تولید جهانی شیرخشک تمام چربی، ۳/۸ درصد نسبت به سال ۱۹۸۹ (با ۲۲۵۹ هزار تن تولید) کاهش نشان می‌دهد. (۳) برعکس، طی این سالها تولید جهانی شیرخشک بدون چربی، ۴/۵ درصد افزایش یافته و از ۴۰۰۳ هزار تن به ۴۱۸۳ هزار تن رسیده است. قسمت عمده تولید این نوع از فرآورده‌های لبنی

(1). FAO, *Commodity Review and Outlook, 90-91* (Rome: FAO Pub, 1991), P.104.

(2). *Ibid*, P.103.

(3). *Ibid*.

اقیانوسیه افزایش و در اروپای غربی و بویژه در اروپای شرقی و شوروی سابق کاهش یافته است.

در بین کشورهای با برنامه‌ریزی متمرکز (سوسیالیستی)، بخش لبنی در نیولندر آلمان (*New Lander*) به شدت با محدودیت تولید مواجه گشت. در خلال سال زراعی ۱۹۹۰/۹۱ تعداد گاوهای شیرده و نیز میزان جمع‌آوری شیر در نیولندر آلمان بیش از ۳۰ درصد کاهش یافت و پس از ژوئیه سال ۱۹۹۰ بخش مواد غذایی و کشاورزی این ناحیه شروع به انجام یک سری تعدیلات در مورد موقعیت جدید اقتصادی و اجتماعی، نمود.

این موضوع در بازار شیر، با رژیم سهمیه‌بندی جامعه اقتصادی اروپا همراه گردید، به طوری که سهمیه جدید، حدود  $\frac{1}{5}$  کمتر از میزان تحویل‌های گذشته بود. در همین حال، با از بین رفتن ارقام قابل توجه سویسیدها بر روی اقلام عمده غذایی، قیمت‌های خرده‌فروشی شیر و سایر فرآورده‌های لبنی به‌طور نسبی افزایش یافت که نتیجه این امر کاهش در مصرف بود.

در لهستان، چک و اسلواکی و مجارستان، میزان جمع‌آوری شیر توسط کارخانجات لبنی نزدیک به  $\frac{1}{5}$  میزان سال ۱۹۹۱ کاهش

مزبور نسبت به سال ۱۹۸۹، دچار  $\frac{8}{9}$  درصد کاهش گردید ولی با این حال، در مقایسه با متوسط سالهای ۱۹۸۶-۸۸ (۷۸۴ هزار تن) افزایشی به میزان  $\frac{3}{7}$  درصد را نشان می‌دهد. (۱)

در تولید شیر خشک تمام‌چربی، آنچه که بیشتر از همه جلب توجه می‌نماید، این است که در سال ۱۹۹۰ تولید مذکور در کلیه کشورها، بجز شوروی و اقیانوسیه دچار کاهش گردیده است، که علت عمده آن را می‌توان در کاهش تقاضای وارداتی این‌گونه فرآورده‌ها جستجو نمود. ضمن اینکه طی سال مذکور کاهش قیمت‌های صادراتی (به میزان  $\frac{27}{3}$  درصد نسبت به سال ۱۹۸۹)، نیز خود مویید این مطلب می‌باشد. (۲)

طبق تخمین‌های اولیه فائو (*FAO*)، تولید جهانی شیر گاو و سایر دام‌های شیرده در سال ۱۹۹۱، بالغ بر ۵۲۵ میلیون تن گردیده که در مقایسه با رقم رکوردگونه سال ۱۹۹۰، به میزان ۲ درصد کمتر بوده است. طی همین سال تولید در کشورهای در حال توسعه به افزایش خود ادامه داد، ولی با این حال سهم این گروه از کشورها از کل رقم جهانی به سختی به ۳۰ درصد می‌رسید. (۳) تولید مذکور در آمریکای شمالی و ژاپن تقریباً بدون تغییر باقی مانده، ضمن اینکه در

(1). *Ibid*, P.103.

(2). *Ibid*, P.105.

(3). FAO, *Commodity Review and Outlook*, 91-92 (Rome: FAO Pub., 1992), P.99.

و نیز چک واسلواکی و مجارستان، دولتها ضوابطی را به منظور تقلیل تعداد گاوهای شیرده تعیین نمودند.

میزان تولید جامعه اقتصادی اروپا در فرآورده‌هایی از قبیل: پنیر و انواع شیرخشک، همواره به مراتب بالاتر از میزان تولید گروه کشورهای درحال توسعه بوده است.

لهستان در سال مزبور، به منظور تقلیل ظرفیت تولید شیر و گوشت گاو و دریافت ارز، تعداد قابل ملاحظه‌ای از گوساله‌های خود را به اروپای غربی فروخت. البته، پس از اینکه جامعه اروپا بر روی واردات گوساله از خارج محدودیتهائی اعمال نمود، از میزان این فروشها کاسته شد. لهستان و مجارستان در اواخر دهه ۱۹۸۰ قیمتهای مصرف‌کننده را افزایش دادند. این امر موجب گشت که مصرف، کاهش یافته و تا سال ۱۹۹۱ ادامه یابد. طی سال ۱۹۹۱ در مجارستان، مصرف سرانه شیر و فرآورده‌های لبنی به کمتر از ۱۵۰ کیلوگرم (معادل شیر) کاهش یافت، حال آنکه این مصرف، طی سالهای نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ بیشتر از ۲۰۰ کیلوگرم گزارش گردیده بود. در چک واسلواکی، آزادسازی بازارها و حذف سوبسیدها تا ژانویه ۱۹۹۱ به مرحله اجرا در نیامد و از آن پس این اقدامات

یافت. از آنجا که طبق آمارهای ارائه شده توسط سرشماری، کاهش تعداد گاوهای شیری در مقایسه با کاهش میزان جمع‌آوری شیر به مراتب کمتر بوده، نتیجه گرفته می‌شود که احتمالاً مقدار قابل توجهی از شیر تولید شده توسط خود کشاورزان و مستقیماً در بازار به فروش رسیده است. موضوع اخیر، بویژه در لهستان از اهمیت زیادی برخوردار بوده؛ زیرا در این کشور اغلب واحدهای دامی شیرده، چندان بزرگ نیستند و لذا در مقابل کارخانجات خریدار شیر، نمی‌توانند آن اتحاد لازم را داشته باشند و نتیجتاً از قدرت چانه‌زنی محدودی برخوردارند و این امر قیمتهای خرید شیر را به میزان زیادی به ضرر تولیدکننده کاهش داده است. در لهستان، صنعت لبنیات زمانی که سوبسیدهای مصرف‌کننده حذف گردید، دچار خسارت زیادی شد. در شوروی سابق و اروپای شرقی نیز بازار فرآورده‌های لبنی زمانی که شورای همیارهای متقابل اقتصادی (Council For Mutual Economic Assistance/CMEA) منحل گردید و تجارت خارجی بر مبنای ارز پر قدرت پایه گرفت، دچار زیان هنگفتی گردید.

علاوه بر آن، آزادسازی تجارت خارجی، صادرات کشورهای مزبور را بیشتر در جریان رقابتهای سخت، (عمدتاً از ناحیه صادرات سوبسید شده جامعه اقتصادی اروپا) قرار داد. در سال ۱۹۹۱، در لهستان

علاوه بر آن، صنعت فرآوری شیر در کوبا جهت عرضه محلی شیر، نیازمند به واردات قابل توجهی شیرخشک و سرشیر از خارج بوده است.<sup>(۳)</sup>

برعکس، در چین که عضو "CMEA" نبوده، صنعت لبنی به توسعه خود ادامه داده است. رشد این صنعت که در سالهای اخیر در حد کمی قرار داشت، در سال ۱۹۹۱ مجدداً شتاب گرفت. در هند (بزرگترین تولیدکننده در بین کشورهای در حال توسعه) رشد صنعت موردنظر، پس از یک رشد بیش از ۵۰ درصدی طی دهه اخیر، در سال ۱۹۹۱ کند گردید. در سال ۱۹۸۹/۹۰، هند که سالها به عنوان دریافت کننده کمکهای غذایی قلمداد می گردید، به مقدار قابل توجهی نیز مازاد جهت صادرات داشت. طی سال ۱۹۹۱ در این کشور، تولید تاحدودی به جهت نامساعد بودن شرایط آب و هوایی در برخی از نواحی، دچار کاهش گردید. در همین حال، از میزان گردآوری شیر توسط کارخانجات لبنی مدرن، تاحدود قابل توجهی کاسته شد. دلیل عمده این کاهش، افزایش فرآوری شیر در جهت تولید روغن کره (Ghee) در روستاها بود. این موضوع باعث گردید که چربیهای خوراکی با کمبود مواجه گردند؛ چرا که از

باعث گردید تا مصرف، سریعاً کاهش و ذخائر فرآورده های لبنی با افزایش مواجه شود. در رومانی، در اوایل سال ۱۹۹۱، تعداد گاوهای شیرده در مقایسه با سال ۱۹۹۰، به میزان ۱۴ درصد کمتر بود. برخلاف اکثر کشورهای همسایه، رومانی در سال ۱۹۹۱ به کنترل قیمت های مصرف کننده مواد غذایی عمده، (از جمله شیر) ادامه داد.<sup>(۱)</sup>

در شوروی سابق، رشد مثبت قبلی تولید شیر، در نیمه نخست سال ۱۹۹۱ به رشد منفی تبدیل گشت و تولید در مزارع دولتی و اشتراکی به میزان ۱۰ درصد و میزان گردآوری شیر توسط صنایع فرآوری لبنی دولتی به میزان ۱۳ درصد با کاهش روبه رو شد. در پی این کاهش، تولید کره نیز به همین میزان دچار افت گردید.<sup>(۲)</sup>

مشکلات فزاینده اقتصادی در شوروی سابق و اروپای شرقی و انحلال شورای همپاریهای متقابل اقتصادی "CMEA"، همگی صنعت لبنی کوبا را تحت تأثیر قرار دادند. کوبا در بین کشورهای در حال توسعه، از جمله کشورهایایی است که مصرف سرانه فرآورده های لبنی آن، بالاترین رقم را داراست. گفتنی است که دامداریها در این کشور شدیداً به واردات خوراک دام و سوخت از شوروی سابق وابسته بوده اند.

(1). *Ibid*, P.99.

(2). *Ibid*.

(3). *Ibid*, P.100.

یک طرف دولت به خودکفائی بیشتر در روستاها کمک نمود و از طرف دیگر محدودیتهای ارزی ورود روغنهای نباتی را تقلیل داد. در کره جنوبی نیز طی سال ۱۹۹۱ تولید شیر با کندی رشد مواجه شد، درحالی که تقاضا همچنان در سطح بالائی قرار داشت. این امر سبب گردید که واردات فرآوردههای لبنی برای اولین بار با رقم قابل ملاحظه‌ای انجام گیرد.<sup>(۱)</sup> طی همین سال در سایر مناطق درحال توسعه نیز، تولید شیر تغییر چندانی نداشته است و تنها تعداد معدودی از کشورهای صادرکننده، در مناطق جنوبی و شرقی آفریقا و نیز آمریکای لاتین، همچنان نظیر سالهای قبل، با قیمتهای پائین بازارهای جهانی که ناشی از مازاد بیش از حد عرضه بود، مواجه گردیدند. البته صادرکنندگان آمریکای جنوبی خیلی راحت به بازار برزیل دسترسی داشتند و به همین دلیل دارای امتیازی نسبت به دیگران بودند.

در بین کشورهای توسعه یافته، آفریقای جنوبی از یک طرف با کمبود تقاضا درخصوص کره و شیرخشک بدون چربی و از طرف دیگر با مازاد عرضه آنها مواجه گشت؛ چرا که در این کشور تولید شیر افزایش یافت.

در استرالیا و زلاندنو، از اواخر دهه ۱۹۸۰ به بعد، تولیدکنندگان با کاهش

قیمتهای جهانی روبه‌رو شدند که این امر وضعیت آنها را تحت تأثیر قرار داد. در سال ۱۹۹۰/۹۱، متوسط قیمت شیر تولیدی در کارخانجات لبنی زلاندنو نزدیک به  $\frac{1}{3}$  تقلیل یافت. با وجود این، مجموع محصول شیر این دو کشور در سال زراعی مذکور، عمدتاً به دلیل مناسب بودن شرایط آب و هوایی در نواحی عمده لبنی آنها، با افزایش روبه‌رو شد. در این منطقه از جهان، در سال ۱۹۹۱، میزان ذخائر فرآوردههای لبنی کاهش یافت که یکی از دلایل آن فروش قابل ملاحظه این گونه فرآورده‌ها با قیمتهای پائین به شوروی سابق بوده است.

ژاپن در سال ۱۹۹۱/۹۲ به منظور تولید بیشتر شیر پاستوریزه در کارخانجات، قیمت تضمینی برای دامداران را کاهش داد و اجازه داد که به منظور پاسخگوئی به تقاضای روزافزون، واردات شیرخشک برای کارخانجات بیشتری صورت گیرد. در این حالت ورود پنیر به چنین بازار نسبتاً آزادی، فزونی یافت. در همین ضمن محدودیتهای موجود بر روی واردات کره و شیرخشک نیز تا حدودی برداشته شدند.

طی سال ۱۹۹۱، در ایالات متحده آمریکا، در قیمت حمایتی، جهت فرآوری شیر، تغییری صورت نگرفت. به‌طور کلی، در این کشور قیمتهای واقعی دریافت شده توسط تولیدکنندگان شیر، نسبت به سطح

(1). *Ibid*, P.100.

نسبتاً بالای سال ۱۹۹۰، کاهش یافت؛ چرا که تقاضا جهت شیر و فرآورده‌های لبنی (بویژه پنیر) در اثر رکود اقتصادی فروکش کرد و ذخائر افزایش یافت؛ هرچند که دولت ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۹۰/۹۱ مجدداً برنامه تشویق صادرات مواد لبنی (*Dairy Export Incentive Program/DEIP*) را برقرار نمود و طبق آن سوسیدهای قابل ملاحظه‌ای بر روی صادرات به برخی از کشورها، اعمال گردید؛ اما با این حال، کل صادرات همچنان در سطح پائین باقی ماند. این کشور در سال ۱۹۹۱ مجدداً به عنوان یک واردکننده خالص پنیر و کازئین تلقی گردید و در این سال مقادیر قابل ملاحظه‌ای از این محصولات را وارد نمود. کانادا نیز در سال ۱۹۹۰/۹۱ بر مبنای کاهش تقاضا جهت چربی شیر (*Milkfat*) سهمیه فروش شیر دامداران به کارخانجات لبنیات را نسبت به سال قبل به میزان بیشتری تقلیل داد. (۱)

طی سال ۱۹۹۱ کشورهای اروپای غربی نیز درصدد برآمدند که میزان تولید شیر را تا حد مصرف آن تعدیل نمایند. در این خصوص، کشورهای سوئد و فنلاند استثناء بودند و در کل میزان فرآوری این محصول در غرب اروپا، نسبت به شرق آن، با سرعت کمتری صورت پذیرفته است. حرکت سریع سوئد به سوی یک سیاست کشاورزی که

بیشتر به سمت بازار گرایش داشته، نه فقط باعث حذف سوسیدهای مصرفی و صادراتی شده، بلکه موانع وارداتی را نیز کمتر نموده است. نتیجه این شد که در سال ۱۹۹۱ کاهش قابل توجهی در قیمت تولید شیر برای تولیدکننده و نیز در میزان تحویل آن بوجود آمد. در سایر کشورهای اروپای غربی که عضو جامعه نمی‌باشند (بویژه فنلاند) ضوابطی بکار گرفته شد که از بروز مازاد محصول شیر جلوگیری بعمل آید. جامعه اقتصادی اروپا که در اواخر دهه ۱۹۸۰، محدودیتهای فروش شیر را از بین برده بود، در سال ۱۹۹۱/۹۲ با توجه به افزایش مجدد عرضه اضافی، تصمیم گرفت که از میزان سهمیه‌ها ۲ درصد کاسته شود. در نیولندر آلمان که تولید شیر در مزارع محدود شده بود، میزان کاهش واقعی گردآوری آن حدود ۳ درصد بود. حتی با وجود این، میزان عرضه شیر در قبال مصرف آن، فزونی داشته است. (۲)

در سال ۱۹۹۲، محصول جهانی شیر گاو و سایر دامهای شیرده، حدود ۲ درصد کمتر از سال ۱۹۹۱ گزارش گردیده است. تولید این محصول در گروه کشورهای در حال توسعه افزایش یافت، هرچند که سهم آن از کل رقم جهانی به سختی به ۳۰ درصد رسید. در سال ۱۹۹۲، تولید شیر در آمریکای شمالی، اقیانوسیه و ژاپن با

(1). *Ibid.*, P.100.

(2). *Ibid.* P.101.

افزایش و در اروپا (بویژه اروپای شرقی و شوروی سابق) با کاهش مواجه گشته است. (۱)

تولید شیر در اروپای شرقی که در سال ۱۹۹۱ به میزان ۱۰ درصد کاهش یافت، در سال ۱۹۹۲ نیز با کاهش قابل توجهی مواجه گردید. کاهش مزبور، به دلیل تقلیل در تعداد گاوها و نیز در میزان بازدهی شیر که ناشی از خشکسالی فصل تابستان و افزایش هزینه خوراک دام (غلات دامی و کنجاله) بوده، صورت گرفته است. در همین حال، میزان فروش فرآورده‌های لبنی در کشورهای مزبور نیز به دلیل افزایش قیمت‌های خرده‌فروشی ناشی از حذف سوبسیدها، با کاهش مواجه گردید. در شوروی سابق، محصول شیر بیش از ۸ درصد تقلیل یافت. این کاهش، در سال ۱۹۹۱، تنها ۸ درصد گزارش گردیده است. کاهش حجم رمه‌های گاو، شرایط نامناسب تغذیه در فصل زمستان و کمبود مراتع، از جمله علل اصلی کاهشهای مزبور قلمداد گردیده‌اند. در سال ۱۹۹۲، توزیع داخلی شیر در شوروی سابق، به دلیل قطع روابط تجاری مابین جمهوریهای سابق، نظیر سال ۱۹۹۱، همچنان صورت نگرفت. (۲)

در سایر مناطق توسعه یافته، انتظار بر این بود که کل محصول شیر، تغییری نیابد. در

بسیاری از کشورهای اروپای غربی، افزایش در میزان بازدهی، اثرات کاهش تعداد گاوهای شیرده در بلندمدت را، جبران نموده است. حذف گاوهای شیرده کم‌بازده از گله‌ها و کشتار آنها، در افزایش متوسط بازدهی محصول شیر موثر افتاده، ضمن اینکه در کل، بروز خشکسالی، تولید شیر را در بسیاری از کشورها تحت تأثیر قرار داده است. در جامعه اقتصادی اروپا، این امر، میزان تحویل شیر را در شش ماهه نخست سال مالی (آوریل / مارس ۱۹۹۱/۹۲)، ۲ درصد تقلیل داده است. البته ایتالیا در این خصوص با ۷/۰ درصد افزایش، یک استثناء محسوب می‌گردد. محدودگشتن محصول شیر در اکثر کشورهای جامعه، مهلت مناسبی در چارچوب برنامه سهمیه‌بندی به آنها داد که تولید خودشان را در فصل زمستان افزایش دهند. در سایر کشورهای اروپای غربی نیز، محصول مزبور، در نتیجه بکارگیری ضوابط دولتی به منظور کاهش تولید مازاد، با تقلیل مواجه گردیده است.

در سال ۱۹۹۲، (در آمریکای شمالی) تولید شیر در ایالات متحده امریکا یک درصد افزایش یافت که این افزایش در نتیجه بالا بودن میزان بازدهی صورت گرفته است. این بازدهی در حدی بوده که

(1). FAO, *Commodity Review and Outlook*, 92-93 (Rome: FAO Pub, 1993), P.103.

(2). *Ibid.*



توانسته است، با توجه به کاهش تعداد گاوها، تولید شیر را افزایش دهد. برعکس، در کانادا، محصول شیر، به دلیل کاهش سهمیه‌های تولید، توأم با کاهش مصرف فرآورده‌های لبنی، تقلیل یافته است. محصول شیر، در اقیانوسیه، استرالیا و زلاندنو، در پی مناسب بودن شرایط آب و هوایی افزایش یافته است. در این کشورها، میزان بهره‌وری در تولید شیر، به دلیل بالا بودن قیمت‌های جهانی فرآورده‌های لبنی، بالا رفته است. در ژاپن نیز محصول شیر در سال ۱۹۹۲ رشد داشته است. در این کشور، هرچند که قیمت‌های حمایتی شیر در همان سطح سال ۱۹۹۱ باقی ماند، مع‌ذکب موقتاً برنامه‌ای ارائه گشت که طی آن وجوه بیشتری به عرضه‌کنندگان شیر به کارخانجات لبنی پرداخت گردید، تا بدین وسیله بخشی از زیان کشاورزان از ناحیه کاهش قیمت گوساله که در پی آزادسازی واردات گوشت صورت گرفته بود، جبران گردد. در سال ۱۹۹۲، در تعدادی از کشورهای توسعه یافته، کاهش مصرف چربی شیر (بویره کره) در پی گرایش مصرف‌کنندگان به مصرف شیر و فرآورده‌های لبنی کم‌چربی، ادامه یافت.<sup>(۱)</sup> به‌طور کلی، محصول شیر در آسیا در سال ۱۹۹۲، حدود ۳ درصد رشد داشته است. در هند، این محصول در پی رونق

مراعات و عرضه علوفه، به میزان ۴ درصد افزایش یافته است. لازم به ذکر است که هند در بین کشورهای در حال توسعه، بزرگترین تولیدکننده شیر محسوب می‌گردد. در کشور مزبور، به دنبال تعدیل مجدد صنعت لبنی در سال ۱۹۹۱، بخش تعاونی صنایع تبدیلی شیر، مقداری شیر تازه با قیمت‌های پائین به بخش خصوصی فرآوری این محصول (تولیدکنندگان فرآورده‌های لبنی با قیمت‌های بالا) عرضه نمود. همین‌طور، مقدار شیر عرضه شده از ناحیه روستائیان، جهت تولید روغن کره، پس از ترقی قیمت آن، افزایش یافت. در نتیجه، در اواسط سال ۱۹۹۲ مجدداً، صنایع لبنی متوسط تا بزرگ مورد ارزیابی قرار گرفتند. این موضوع توسعه صنایع لبنی در بخش خصوصی و حوزه جمع‌آوری شیر توسط آنها را محدود نمود. طی همین سال در چین، صنایع لبنی به میزان ۷ درصد رشد داشت. در این کشور، سیاست دولت جهت توسعه صنایع لبنی، بر روی تشویق تولید بیشتر شیر در مناطق مرتع‌خیز و تولیدکننده علوفه، (به منظور فرآوری آن به شیر خشک) متمرکز گردید.<sup>(۲)</sup>

طی سال مذکور، در آمریکای لاتین نیز تولید شیر با افزایش روبه‌رو بود. در این منطقه، قیمت‌های بالا برای تولیدکننده، توأم با از بین رفتن و یا محدود شدن کنترل‌های

(1) و (2) . Ibid, P.103.

واردات، رشد مصرف را در حدی بالاتر از رشد تولید قرار داده است.<sup>(۱)</sup>

به منظور بررسی اوضاع جهانی لبنیات در سال ۱۹۹۳، آمارهای قطعی در دسترس نبود و لذا لازم بود که ارقام پیش‌بینی شده در این سال را مورد نظر قرار دهیم.

طی سال مذکور، طبق پیش‌بینی، تولید شیر در گروه کشورهای توسعه یافته به میزان ۲/۸ درصد کاهش و در گروه کشورهای در حال توسعه به میزان ۳ درصد افزایش یافته است. در این صورت تولید جهانی این محصول به میزان ۶/۰ درصد دچار کاهش گردیده است.<sup>(۲)</sup>

در شوروی سابق، تولید شیر احتمالاً ۹ درصد کاهش یافته و به ۸۲ میلیون تن رسیده است (جدول ۱). کل تولید در اروپای شرقی نیز به میزان قابل توجهی کاهش یافته است (۸ درصد). در تعدادی از کشورهای این منطقه، سرعت افزایش قیمت‌ها در سطح مزارع، به‌طور مکرر از سرعت افزایش هزینه داده‌ها پیشی گرفته است.

در سال ۱۹۹۳، محصول شیر در سایر کشورهای توسعه یافته، احتمالاً نسبت به سال ۱۹۹۲ تغییری نداشته و در این قبیل کشورها، افزایش بهره‌وری تا حدود زیادی اثر کاهش تعداد گاوهای شیرده را جبران

دولتی، تولید شیر را در بسیاری از کشورها، (از جمله آرژانتین، برزیل، شیلی و مکزیک) افزایش داد. برعکس، در پرو، طی نیمه نخست سال ۱۹۹۲، تولید این محصول تحت تأثیر خشکسالی، کاهش قیمت‌های تولیدکننده و رقابت‌پذیری با محصولات وارداتی قرار گرفت. در ونزوئلا نیز تولید در نتیجه افزایش هزینه آن از ناحیه علوفه وارداتی کاهش یافت. طی سال ۱۹۹۲ در آفریقا، به دلیل بروز خشکسالی در کشورهای جنوب این قاره، افزایش تولیدی مورد پیش‌بینی قرار نگرفت. در زیمبابوه نیز بروز خشکسالی و کمبود ذخائر ذرت و کنجاله روغن‌کشی، میزان بازدهی را کاهش داد و در نتیجه کشتار دام روبه فزونی گذاشت؛ به همین دلیل تولید شیر نیز افزایش نیافت. بازسازی صنعت لبنی زیمبابوه به بخش فرآوری در جهت تعدیل و اصلاح قیمت‌ها، انعطاف بیشتری داد. تولید در کنیا نیز کاهش یافت و در برخی از مناطق شهری، در خصوص شیر کمبودهایی گزارش گردید. در بسیاری از کشورهای واقع در جنوب آفریقا، انتظار بر این بوده که واردات شیر خشک جهت بازسازی آن (به منظور جبران کمبود عرضه در داخل) افزایش یابد. در مصر که بیش از نصف شیر تولید شده از محل بوفالوها تأمین می‌شود،

(1). *Ibid*, P.104.

(2). *Food Outlook*, December 1993, No.12, P.24.

نموده است. در جامعه اقتصادی اروپا، تولید شیر احتمالاً در همان حد سال ۱۹۹۲ باقی مانده و طبق همین پیش‌بینی، این تولید در کشورهای اروپای غربی نیز دچار تغییر چندانی نگردیده است.

در ژاپن، تولید در پی برنامه دولت در جهت حذف گاوهای شیرده کم‌بازده، احتمالاً به میزان کمی نسبت به سال ۱۹۹۲ با افزایش مواجه گردیده است.

در آمریکای شمالی، محصول شیر، هم در کانادا و هم در ایالات متحده آمریکا احتمالاً تا حدودی کاهش یافته است.

در کانادا، این محصول در پی کاهش مصرف فرآورده‌های لبنی، که کاهش سهمیه تولید را به دنبال داشته، کاهش یافته است. در ایالات متحده، در سال ۱۹۹۲ بروز شرایط استثنائی مناسب در آب و هوای آن - که میزان بازدهی را از حد متوسط بالاتر برد - تولید شیر را در سطح رکوردگونه ۶۸/۸ میلیون تن قرار داد.

در سال ۱۹۹۳، به احتمال زیاد رقم تولید پائین‌تر از رقم مزبور بوده است. در اقیانوسیه، تولید هم در استرالیا و هم در زلاندنو، به دنبال سرمایه‌گذاری در جهت افزایش بهره‌وری و نیز آب و هوای مناسب، با افزایش مواجه گردیده است.

در بین مناطق در حال توسعه، چنین پیش‌بینی گردیده که آسیا بیشترین رشد را (۴ درصد) در سال ۱۹۹۳ داشته است. در

هند (بزرگترین تولیدکننده شیر در گروه کشورهای در حال توسعه) با توجه به اقدامات به‌تازدی، آب و هوای مطلوب و غنی بودن مراتع، این رشد نیز ۴ درصد پیش‌بینی گردیده است. در چین، که محصول شیر در سال ۱۹۹۲ به میزان ۶ درصد افزایش یافته، در سال ۱۹۹۳ نیز احتمالاً همین نرخ رشد را کسب نموده است. البته در این خصوص افزایش قیمت غلات دامی، به‌عنوان یک عامل بازدارنده قید گردیده است.

در آمریکای لاتین و کشورهای واقع در حوزه دریای کارائیب، تولید شیر احتمالاً به ۴۵ میلیون تن رسیده که در این صورت نسبت به سال ۱۹۹۲، ۲ درصد افزایش نشان می‌دهد (جدول ۱). در بسیاری از کشورها (از جمله آرژانتین، شیلی، اکوادور، نیکاراگوئه و اروگوئه) تولید شیر به دنبال افزایش قیمت‌های تولیدکننده پس از حذف کنترل‌های دولتی و نیز بروز شرایط آب و هوایی مناسب، بالا رفت. در کلمبیا، انتظار بر این بود که تولید در پی برطرف شدن خشکسالی سال ۱۹۹۲، افزایش یابد. در برزیل، این تولید عمدتاً به این دلیل که قیمت‌های خرده‌فروشی، در پی حذف کنترل‌ها، افزایش یافتند و تقاضا متعاقب آن کاهش یافت تنزل خواهد نمود. در ونزوئلا، افزایش هزینه واردات علوفه، احتمالاً تولید را نظیر سال ۱۹۹۲ تحت فشار قرار

داده است.

در حال توسعه، تقاضا در پی افزایش درآمدها، قویاً در حال صعود بوده که این امر در برخی از کشورها منجر به افزایش تولید و در برخی دیگر منجر به افزایش واردات شیر و فرآورده‌های مربوط به آن گردیده است.<sup>(۱)</sup>

در سال ۱۹۹۱ کاهش تولید جهانی شیر از ۵۳۹ به ۵۲۷ میلیون تن، باعث گردید که تولید جهانی پنیر و کشک نیز از ۱۴۶۲۷ هزار تن در سال ۱۹۹۰، به ۱۴۳۱۱ هزار تن در سال ۱۹۹۱ تقلیل یابد (جدول ۴). در سال ۱۹۹۲، علی‌رغم اینکه تولید شیر کاهش یافته، اما مع‌ذک تولید پنیر به میزان ۱/۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. این تناقض تا حدودی به اینکه تولید پنیر دقیقاً به تبعیت از نوسانات میزان تحویل شیر برمی‌گردد، دچار تغییر نمی‌شود، بلکه وجود ضایعات قابل ملاحظه در برخی از کشورها (به‌خصوص کشورهای در حال توسعه)، رابطه مستقیم بین تولید پنیر و شیر را تحت‌الشعاع قرار داده است که در کل، تا حدود زیادی نوسانات تولید شیر، نوسانات تولید پنیر و سایر فرآورده‌های لبنی را توجیه می‌نماید. به‌هر حال، تولید جهانی پنیر و کشک، طی سالهای ۱۹۸۸-۹۲، با متوسط نرخ رشد سالانه ۰/۳ درصد تا حدودی صعودی محسوب می‌گردد. سهم گروه کشورهای در حال

در آفریقا، تولید احتمالاً در همان سطح ۱۱ میلیون تن سال ۱۹۹۲ باقی مانده است. در حالی که اکثر کشورهای این منطقه، طبق پیش‌بینی، در تولید، دارای رشد بادوامی بوده‌اند. کشورهای واقع در جنوب قاره مزبور شدیداً تحت تأثیر خشکسالی سال ۱۹۹۲ قرار گرفته، به طوری که در پی آن از تعداد دامهای شیرده کاسته شده و قیمت علوفه نیز افزایش یافته است. در برخی دیگر از کشورها، در پی محدود شدن کنترلها و افزایش هزینه علوفه، قیمت‌های مصرف‌کننده به میزان بیشتری نسبت به سال ۱۹۹۲ افزایش یافته‌اند. در زیمبابوه، محدودتر گردیدن تقاضا منجر به مازاد عرضه شیر گردیده که می‌بایستی جهت ذخیره به شیر خشک بدون چربی تبدیل می‌گردید.

در سال ۱۹۹۳، در تعدادی از کشورهای توسعه یافته، روند نزولی مصرف چربی شیر (بویژه کره) احتمالاً تداوم یافته و مصرف‌کنندگان بیش از پیش به مصرف شیر و فرآورده‌های لبنی کم‌چربی گرایش یافته‌اند. در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، مصرف سرانه شیر و فرآورده‌های لبنی در کشورهای در حال توسعه به مراتب پائین‌تر بوده است (۳۶ کیلوگرم در مقایسه با ۲۰۰ کیلوگرم). در گروه کشورهای

(1). *Ibid*, P.25.

توسعه از این تولید، از ۱۲/۲ درصد در سال ۱۹۹۰، به ۱۲/۸ درصد در سالهای ۹۱ و ۹۲ افزایش یافته است. در سال ۱۹۹۱، تولید گروه کشورهای درحال توسعه با افزایش، و تولید گروه کشورهای توسعه یافته با کاهش مواجه گردیده است. در سال ۱۹۹۲، میزان تولید در هر دو گروه افزایش یافته است.

در سال ۱۹۹۱، تولید فرآورده‌های مذکور در آمریکای شمالی و اقیانوسیه تا حدودی افزایش داشته و برعکس، در اروپای غربی، اروپای شرقی و شوروی سابق، به میزان قابل توجهی با کاهش مواجه گردیده است. در کل اروپا، این کاهش ۲/۴ درصد، در اروپای شرقی ۱۲ درصد و در شوروی سابق ۱۰/۶ درصد گزارش گردیده است. کاهش تولید در جامعه اقتصادی اروپا نیز به میزان یک درصد بوده است.

در سال ۱۹۹۲، با اینکه تولید جهان، تولید در گروه کشورهای درحال توسعه و در گروه کشورهای توسعه یافته افزایش یافته، اما تولید در کل اروپا - ، اروپای شرقی و شوروی سابق - همچنان نظیر سال ۱۹۹۱، به کاهش خود ادامه داده است (جدول ۴). دلیل این کاهش نیز همان عواملی می‌باشند که درخصوص نوسانات تولید شیر، ارائه گردیدند. بروز خشکسالی، افزایش هزینه خوراک دام و علوفه، کاهش قیمت‌های تولیدکننده، قیمت‌های عمده‌فروشی و نیز قیمت‌های صادراتی (درپی کاهش تقاضای

جهانی) از جمله عللی هستند که کاهش تولید سال ۱۹۹۲ را توجیه می‌نمایند.

تولید جهانی شیرخشک تمام‌چربی که در سال ۱۹۹۱ معادل ۲ درصد افزایش یافته بود، در سال ۱۹۹۲، به میزان ۳/۲ درصد کاهش یافت (جدول ۳). دلیل عمده این کاهش، به تنزل تولید شیر در سال مزبور برمی‌گردد. در این سال تولید جهانی شیر به میزان ۲/۱ درصد کاهش یافت اما صادرات، واردات و قیمت‌های جهانی شیرخشک تمام‌چربی با افزایش مواجه گردیدند. کاهش تولید، عمدتاً از ناحیه گروه کشورهای توسعه یافته صورت گرفته (۴/۳ درصد)؛ چرا که تولید در گروه کشورهای درحال توسعه، از ۴۲۲ هزار تن در سال ۱۹۹۱ به ۴۲۶ هزار تن در سال ۱۹۹۲ افزایش یافته است.

در گروه کشورهای توسعه یافته که ۸۰ درصد از تولید جهانی را به خود اختصاص داده‌اند، تولید در جامعه اقتصادی اروپا، و شوروی سابق به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. کاهش تولید عمدتاً در پی کاهش تقاضای جهانی به دنبال افزایش قیمت‌ها صورت گرفته اما در آمریکای شمالی و نیز اقیانوسیه، تولید این محصول، تا حدودی افزایش یافته است. اضافه می‌شود که جامعه اروپا، با سهمی معادل ۵۵/۵ درصد از کل تولید گروه کشورهای توسعه یافته، بزرگترین

جدول (۱) - تولید شیر در جهان و در گروه‌های اقتصادی کشورها، طی سالهای ۱۹۸۷-۹۳

واحد: میلیون تن

۱۹۹۳*	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	متوسط سالهای ۸۹-۱۹۸۷	جهان و گروه کشورها/سال
۵۱۸	۵۱۶	۵۲۷	۵۳۹	۵۲۴	- کل جهان
۱۷۳	۱۶۴	۱۵۹	۱۵۶	۱۴۳	- کشورهای در حال توسعه
۴۵	۴۵	۴۳	۴۲	۴۰	آمریکای لاتین
۱۱	۱۳	۱۳	۱۳	۱۲	افریقا
۱۱۷	۱۰۶	۱۰۳	۱۰۱	۹۱	آسیا
۳۴۳	۳۵۲	۳۶۸	۳۸۳	۳۸۰	- کشورهای توسعه یافته
۷۶	۷۶	۷۵	۷۵	۷۳	آمریکای شمالی
۱۵۷	۱۶۰	۱۶۷	۱۷۴	۱۷۶	اروپا
۱۱۴	۱۱۶	۱۱۸	۱۲۱	۱۲۳	جامعه اقتصادی اروپا
-	۲۸	۲۹	۳۲	۳۳	اروپای شرقی
۸۲	۹۰	۱۰۰	۱۰۹	۱۰۷	شوروی سابق
۱۷	۱۵	۱۴	۱۴	۱۴	اقیانوسیه

\*\* - پیش‌بینی

ماخذ سالهای ۱۹۸۷-۹۲.

FAO, *Commodity Review and Outlook, 1992-93* (Rome: FAO Pub., 1993), P.106.

ماخذ سال ۱۹۹۳:

FAO, *Food Outlook*, December 1993, No.12, P.24.

کاهش تولید در سال ۱۹۹۲، تأثیری بر روی صادرات جهانی این محصول نگذاشته؛ چرا که میزان ذخایر در حدی بوده که توانسته است، افزایش تقاضای جهانی آن را پاسخگو باشد. در این خصوص جامعه اقتصادی اروپا بزرگترین تولیدکننده در جهان تلقی می‌گردد. در حالی که تولید آن از ۱۸۱۶ هزار تن در سال ۱۹۹۰ به ۱۶۷۶ هزار

تولیدکننده شیر خشک تمام چربی در جهان می‌باشد.

تولید جهانی شیر خشک بدون چربی، طی سالهای ۱۹۹۰-۹۲، مرتباً تنزل یافته و به حدی رسیده که در مقایسه با متوسط تولید، طسی سالهای ۱۹۸۷-۸۹ (۴۰۰۱ هزار تن)، به مراتب کمتر می‌باشد (جدول ۲).

جدول (۲) - تولید شیرخشک بدون چربی در جهان، طی سالهای ۱۹۸۷-۹۲

واحد: هزار تن

شرح / سال	متوسط سالهای ۸۹-۱۹۸۷	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲
کل جهان	۴۰۰۱	۴۲۱۴	۳۹۲۴	۳۶۳۷
آمریکای شمالی	۵۷۶	۵۱۹	۵۰۶	۴۹۹
جامعه اقتصادی اروپا	۱۶۷۱	۱۸۱۶	۱۶۷۶	۱۴۲۰
شوروی سابق	۶۸۸	۷۵۰	۷۱۰	۶۸۰
اقیانوسیه	۳۰۵	۳۴۶	۳۱۸	۳۱۲

ماخذ:

FAO, *Commodity Review and Outlook, 1992-93* (Rome: FAO Pub., 1993), P.107.

تن در سال ۱۹۹۱ و سپس به ۱۴۲۰ هزار تن در سال ۱۹۹۲ کاهش یافته است. پس از جامعه اروپا، تولید شوروی سابق، آمریکای شمالی و اقیانوسیه، در مراتب بعد قرار دارند. در کل، تولید این مناطق توسعه یافته، حدود ۸۰ درصد از تولید جهانی را تشکیل می‌دهد و سهم گروه کشورهای در حال توسعه تنها ۲۰ درصد می‌باشد.

به طور کلی، طی سالهای ۱۹۸۷-۹۲، تولید پنیر و کشک، با افزایش و تولید شیرخشک تمام چربی و بدون چربی با کاهش مواجه گردیده است.

توسعه یافته صورت خواهد گرفت، به میزان بیشتری نسبت به سال ۱۹۹۳ تقلیل خواهد یافت. (۱) در جامعه اقتصادی اروپا، سطح تولید بستگی به این خواهد داشت که آیا پیشنهاد کاهش سهمیه‌های تولید شیر تا ۲ درصد در سال مالی ۱۹۹۴/۹۵ عملی خواهد شد یا نه. در اروپای شرقی و شوروی سابق، سیر نزولی تولید که از سال ۱۹۹۰ آغاز گردیده، احتمالاً تداوم خواهد یافت.

تولید در کشورهای اروپای غربی غیر عضو جامعه، کانادا و ژاپن احتمالاً ثابت و در ایالات متحده آمریکا و اقیانوسیه افزایش خواهد یافت.

در مناطق در حال توسعه، تولید شیر در آسیا، در پی ارتقاء تقاضا، رشد بیشتری خواهد یافت. در آمریکای لاتین، تقویت

چشم‌انداز تولید جهانی در سال ۱۹۹۴

در سال ۱۹۹۴، تولید جهانی شیر، در نتیجه کاهشی که در گروه کشورهای

(1). *Ibid*, P.25.

جدول (۳) - تولید شیرخشک تمام چربی در جهان و در گروه‌های اقتصادی کشورها، طی سالهای ۱۹۸۷-۹۲

واحد: هزار تن

شرح / سال	متوسط سالهای ۹۲-۱۹۸۷	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲
کل جهان	۲۱۴۴	۲۰۶۷	۲۱۰۸	۲۰۴۰
کشورهای در حال توسعه	۴۱۴	۴۱۸	۴۲۲	۴۲۶
کشورهای توسعه یافته	۱۷۳۱	۱۶۴۹	۱۶۸۶	۱۶۱۴
آمریکای شمالی	۸۶	۹۰	۶۸	۷۰
کانادا	۱۲	۱۱	۹	۱۰
ایالات متحده	۷۵	۷۹	۵۸	۶۰
اروپا	۹۸۵	۹۴۲	۹۵۷	۸۹۵
EC	۸۶۱	۸۱۹	۸۳۰	۷۸۰
شوروی سابق	۳۱۰	۲۸۷	۲۵۰	۲۱۰
اقیانوسیه	۲۵۱	۲۲۹	۳۱۱	۳۳۹
استرالیا	۶۶	۵۶	۶۰	۶۹
زلاندنو	۱۸۵	۱۷۳	۲۵۱	۲۷۰

ماخذ:

FAO, *Commodity Review and Outlook*, 1992-93 (Rome: FAO Pub., 1993), P.106.

متحده آمریکا و اقیانوسیه افزایش خواهد یافت. پیش‌بینی می‌شود که در اروپای شرقی و شوروی سابق، تولید مذکور به کاهش خود ادامه دهد.

در آسیا، و در کشورهای در حال توسعه، تولید پنیر و انواع شیرخشکها، در پی رشد تولید شیر، افزایش خواهد یافت. در آمریکای لاتین، نیز این تولیدات با رشد مواجه خواهند گردید. در آفریقا، (بویژه کشورهای واقع در جنوب این منطقه) نیز احتمالاً شاهد رشدی خواهیم بود.

تقاضا در بازارهای داخلی و آزادسازی قیمتها، احتمالاً تولیدکنندگان را بیشتر منتفع خواهد نمود. علاوه بر آن، تولید در جنوب آفریقا، احتمالاً پس از خشکسالی سال ۱۹۹۲، مجدداً سیر صعودی خواهد گرفت.

به این ترتیب، در سال ۱۹۹۴، تولید پنیر و شیرخشک در سطح جهانی، احتمالاً کاهش خواهد یافت. تولید این محصولات در کشورهای اروپای غربی غیرعضو جامعه، ژاپن و کانادا احتمالاً ثابت و در ایالات



جدول (۴) - تولید پنیر و کشک در جهان و در گروه‌های اقتصادی کشورها، طی سالهای

۱۹۸۷-۹۲

واحد: هزار تن

شرح / سال	متوسط سالهای ۱۹۸۷-۹۲	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲
کل جهان	۱۴۲۰۴	۱۴۶۲۷	۱۴۳۱۱	۱۴۴۶۵
کشورهای در حال توسعه	۱۷۳۸	۱۷۸۹	۱۸۳۲	۱۸۵۰
کشورهای توسعه یافته	۱۲۴۵۹	۱۲۸۳۸	۱۲۴۷۹	۱۲۶۱۵
آمریکای شمالی	۳۱۹۷	۳۴۱۳	۳۴۱۹	۳۵۳۲
کانادا	۲۸۱	۲۸۶	۲۹۱	۲۹۲
ایالات متحده	۲۹۱۶	۳۱۲۷	۳۱۲۹	۳۲۴۰
اروپا	۶۷۸۷	۶۸۶۳	۶۶۹۸	۶۶۷۱
EC	۵۰۵۵	۵۲۶۶	۵۲۱۶	۵۴۰۰
اروپای شرقی	۱۰۷۲	۹۳۳	۸۲۱	۸۱۰
شوروی سابق	۱۹۷۶	۲۰۶۴	۱۸۴۵	۱۶۷۰
اقیانوسیه	۳۱۳	۲۹۸	۳۱۱	۳۳۶
استرالیا	۱۸۱	۱۷۸	۱۷۶	۱۹۵
زلاندنو	۱۳۱	۱۲۰	۱۳۵	۱۴۱

ماخذ:

FAO, *Commodity Review and Outlook*, 1992-93 (Rome: FAO Pub., 1993), P.107.

۱۳۵۹ بالغ بر ۲۵۰۱ هزار تن بوده که در سال ۱۳۶۸ به ۳۲۷۰ هزار تن رسیده است. (۱) در سال ۱۳۵۹، شیر گاو حدود ۶۲ درصد، شیر گوسفند حدود ۲۸ درصد، شیر بز حدود ۹ درصد و شیر گاو میش نیز حدود ۲ درصد از کل شیر تولیدی در کشور بوده

بررسی وضعیت بازار شیر و فرآورده‌های لبنی در ایران، طی سالهای ۱۳۶۷-۷۲

مقدار تولید شیر در ایران براساس آمار دامهای موجود و باتوجه به عملکرد سال

(۱). علی اصغر، طائی، شیر (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، خرداد ۷۱)، ص ۵۲.

است. با مقایسه دو سال ۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ این نتیجه حاصل می‌گردد که تولید شیر گاو ۴۵ درصد، شیر گوسفند ۵ درصد و شیر بز ۲۰ درصد افزایش یافته، در حالی که شیر گاو ۲/۵ درصد کاهش داشته است که این امر نشانگر ازدیاد شیر گاو طی این دوره می‌باشد. شیرخام تحویلی به کارخانجات تولید شیر پاستوریزه، در سال ۱۳۵۹ بالغ بر ۲۰۵۹۰۳ تن بوده که در سال ۱۳۶۸ به ۳۵۳۳۲۶ تن رسیده که طی این مدت ۷۲ درصد افزایش داشته است. (۱) اضافه می‌شود که در سال ۱۳۵۹، شیرخشک مصرفی در کارخانجات شیر پاستوریزه ۱۱۹۴۸ تن گزارش گردیده است. این میزان در سال ۱۳۶۸ به ۱۶۲۰ تن (۸۶ درصد کاهش) رسیده است.

نتیجتاً، طی سالهای ۱۳۵۹-۶۸، با افزایش مقدار شیرخام تحویلی به کارخانجات، مقدار شیرخشک مصرفی توسط آنها کاهش یافته است.

میزان شیرخام دریافتی توسط کارخانجات شیر پاستوریزه، در سال ۱۳۶۹ دفعتاً به ۵۰۸۸۱۳ تن افزایش یافت (۳۷/۹ درصد رشد). این میزان در سال ۱۳۷۱، بالغ بر ۶۱۲۰۰۰ تن گزارش گردیده است (جدول ۵).

در نه ماهه اول سال ۱۳۷۲ نیز بالغ بر ۵۳۶۲۹۰ تن شیرخام توسط کارخانجات دریافت گردیده است. به این ترتیب، با افزایش شیرخام دریافتی طی سالهای مذکور، از میزان شیرخشک مصرفی، توسط کارخانجات به شدت کاسته شده است. از سال ۱۳۶۹ به بعد، میزان مزبور به صفر تقلیل یافته است. شایان ذکر است که افزایش شیرخام دریافتی، به موازات افزایش مراکز جمع‌آوری شیر امکان‌پذیر گردیده است. تعداد این مراکز که در سال ۱۳۶۵، نوزده مرکز بوده، در سال ۱۳۷۱، به ۲۱۳ مرکز افزایش یافته است. در نه ماهه اول

جدول (۵) - مقدار شیرخام دریافتی و شیرخشک مصرفی توسط کارخانجات شیر کشور، طی سالهای ۱۳۶۹-۷۲ واحد: تن

شرح / سال	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	نه ماهه اول ۱۳۷۲
شیرخام دریافتی	۵۰۸۸۱۳	۵۸۳۴۸۹	۶۱۲۰۰۰	۵۳۶۲۹۰
شیرخشک مصرفی	.	.	.	.
تعداد مراکز جمع‌آوری شیر	۱۳۸	۱۷۴	۲۱۳	۲۴۹

مانند: بزرگوار، شماره ۶۶۹، اول بهمن ۱۳۷۲، ص ۲۵.

(۱). همان، ص ۵۳.



سال ۱۳۷۲ نیز، تعداد مزبور باز هم رشد نموده و به ۲۴۹ مرکز رسیده است.

در حال حاضر، مقدار تولید شیر توسط دامداران به ۴۳۱۰ هزار تن افزایش یافته که در مقایسه با رقم سال ۱۳۶۸ (۳۲۷۰ هزار تن)  $31/8$  درصد رشد داشته (۱) و این در حالی است که سالانه بالغ بر ۶۰ هزار تن واردات پنیر داریم. این مقدار واردات، ارزی (۲) را می‌طلبد که با آن می‌توان نه کارخانه تولید پنیر یا ظرفیت سالانه ۶۷۵۰۰ تن خریداری نمود که در آن صورت حتی می‌توان به خارج پنیر صادر کرد.

در ایران، تولید پنیر طی سالهای ۱۳۶۰-۶۳، به طور متوسط رقم ۱۰۳ هزار تن را نشان می‌دهد. در سالهای بعد این تولید، رقمی بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار تن را شامل گردیده که حدود ۹۵ درصد آن در روستاها و به صورت غیربهداشتی تهیه گردیده و تنها ۵ درصد آن در کارخانجات تولید می‌شده است. (۳) در همین حال، میزان مصرف ظاهری این محصول لبنی حدود ۲۵۰ هزار تن بوده که در این صورت درصد خودکفائی چیزی حدود ۴۰ درصد قابل محاسبه می‌باشد. (۴) طی سالهای

مقدار شیر خام تحویلی به کارخانجات شیر پاستوریزه کشور، از ۲۰۶ هزار تن در سال ۱۳۵۹ به بیش از ۶۰۰ هزار تن در سال ۱۳۷۱ افزایش یافته است.

۱۳۵۸-۶۰، سهم ایران از کل تولید جهانی پنیر و کشک حدود  $9/0$  درصد بوده، که این سهم طی سالهای بعد کاهش یافته، تا اینکه در سال ۱۳۶۹، به  $8/0$  درصد رسیده، در حالی که سهم واردات جهانی این قبیل محصولات، طی سالهای ۱۳۵۸-۷۰، از  $5/3$  درصد به  $4/4$  درصد افزایش یافته است. یکی از دلایل کم بودن تولید پنیر در ایران، کمبود سرمایه گذاری در زمینه صنایع تبدیلی شیر است. در حال حاضر تنها ۱۵ درصد از شیر تولیدی کشور به صنایع تبدیلی، تحویل می‌گردد و ۸۵ درصد بقیه، در روستاها و شهرکها به شکل شیرخام، پنیر سنتی، ماست، کشک یا قره قورت درآمده و توزیع می‌گردد. (۵) نارسائیهای موجود در صنایع تبدیلی نیز موجب گردیده که روزانه هزاران تن شیر تولید شده در کشور به دلیل فقدان برنامه ریزی لازم، در جریان حمل و

(۱). بزرگسرو، شماره ۶۶۹، (اول بهمن ۱۳۷۲)، ص ۲۲.

(۲). حدود ۹۶ میلیون دلار

(۳). جمشید فهیمی فر، بازار جهانی لبنیات، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تیر ۷۰)، ص ۲۲۲.

(۴). همان.

(۵). مصرف سرانه شیر، روزنامه همشهری، (۲۲/۱۱/۷۲)، شماره ۳۱۷ ص ۵.

نقلهای طولانی و نیز تکمیل بودن ظرفیت کارخانه‌ها فاسد گردند. دولت نیز در راستای توسعه صنایع تبدیلی، سهمیه ارزی در نظر نگرفته و نتیجتاً این نوع فعالیتهای صنعتی چندان مقرون به صرفه نمی‌باشند. به طور متوسط چیزی حدود ۳ میلیارد تومان جهت احداث کارخانجات تولید پنیر لازم است که در صورت بهره‌برداری از چنین کارخانه‌هایی، سالانه نزدیک به ۵۰۰ میلیون تومان برگشت سرمایه خواهیم داشت. (۱) در حال حاضر، علی‌رغم اینکه بیش از ۴ میلیون تن شیر در کشور تولید می‌گردد، اما دامداران با مشکل ادامه تولید و تحویل شیر مواجه هستند. از یک طرف هزینه تولید شیر به شدت افزایش یافته و نهاده‌های تولید به سختی قابل تأمین می‌باشند و از طرف دیگر قیمت شیر بنا به مصالح سیاسی و اجتماعی، افزایش چندانی نیافته است و گذشته از آن، کارخانجات تبدیلی نیز توان کافی جهت جذب شیر مازاد را ندارند.

در صورتی که این مشکلات بنا بر صلاح‌دیدهای اقتصادی برطرف نگردد و با توجه به اینکه جمعیت در حال افزایش بوده و تعداد دامهای کشور نیز به دلیل فقدان مرتع کافی و درکل، افزایش هزینه تولید، از رشد برخوردار نمی‌باشند، لذا در آینده در

(۱). همان.

(۲). تولید پنیر خوشمزه ایرانی، کشاورز، شماره ۱۵۵ (آبان ۷۱)، ص ۸۶.

تولید شیر توسط دامداران در سال ۱۳۷۱، به ۴۳۱۰ هزار تن رسید این میزان تولید، مصرف سرانه شیر در ایران را به ۴۰ لیتر - که در مقایسه با ۳۰۰ لیتر اروپا به مراتب پسا این تر می‌باشد - رسانیده است.

راستای تولید شیر و فرآورده‌های مربوط به آن مشکلات حادی بروز خواهد نمود. در آن صورت، امکان افزایش مصرف سرانه شیر از ۴۰ لیتر موجود به سطح بالاتر، از طریق تولید داخل به هیچ وجه وجود نخواهد داشت.

طی نه ماهه نخست سال ۱۳۷۲، میزان تولید پنیر در ایران به روش نیمه صنعتی به بیش از ۱۸ هزار تن رسید که در مقایسه با دوره مشابه سال ۱۳۷۱، حدود ۷۲ درصد افزایش نشان می‌دهد.

در حال حاضر، روشهای تولید پنیر نرم در ایران، توأم با ضایعات زیادی است و به لحاظ حساسیت و شکنندگی لخته پنیر و نامنظم بودن قطعات، مقدار زیادی گرده پنیر حاوی مواد ارزشمند در اثر عمل هم‌زدن از دسترس سازنده پنیر خارج می‌شود. (۲) از

این گذشته، از آلودگیهای احتمالی پنیر کاملاً پرهیز نمی‌شود. استفاده از روشهای غیراصولی، می‌تواند مقدار مصرف شیر را تا حدود زیادی افزایش دهد.<sup>(۱)</sup> در برخی از واحدهای پنیرسازی، ملاحظه گردیده که حتی تا ۱۳ لیتر شیر برای یک کیلو پنیر مصرف شده است.

محصولی که با نام مشخصه "پنیرگچی" وارد ایران می‌شود، احتمالاً از بهداشت و استاندارد مطلوبی برخوردار است، ولی با ذائقه مصرف‌کننده ایرانی سازگاری ندارد. این نوع از پنیرها حتی در کشورهای سازنده مورد مصرف مردم قرار نمی‌گیرند. به‌هرحال، تولید پنیر مناسب با ذائقه ایرانی زمانی مقرون به‌صرفه است که از یک طرف قیمت مناسب آن به تولیدکننده شیر پرداخت گردد و از طرف دیگر قیمت فروش پنیر در حد قدرت خرید مصرف‌کننده باشد. شایان ذکر است که قیمت خرید بالای شیر باعث می‌گردد که اولاً تولید شیر ادامه یابد و ثانیاً سازنده پنیر ناچار است که از تکنولوژی مناسبتری در تولید بهره‌گیرد که نهایتاً ضایعات نیز کاهش می‌یابد. امروزه ثابت شده که جهت تهیه پنیری با ۴۰ درصد ماده خشک، از هر ۱۰۰ کیلوگرم

(۱). همان.

(۲). دکتر محمدرضا احسانی، پنیرسازی، سنبله، شماره ۸ (اسفند ۶۷)، ص ۵۷.

(۳). بزرگر، پیشین، ص ۲۶.

تولید شیرخشک در ایران، از ۵۱۶ تن در نه ماهه نخست سال ۷۱، به ۳۰۵۵ تن در نه ماهه نخست سال ۷۲ افزایش یافته است.

شیرگاو، در روشهای عادی ۱۵ کیلوگرم و با روش رد کردن از صافی ۱۹ کیلوگرم پنیر بدست می‌آید.<sup>(۲)</sup>

لازم به ذکر است که از سال ۱۳۶۹ به بعد، کارخانجات تابعه شرکت صنایع شیر ایران، مکلف به تولید پنیر، به روش نیمه صنعتی شده‌اند که تولید پنیر با استفاده از امکانات داخلی از ۴۳۳ تن در سال ۱۳۶۶ به ۱۰۰۰۰ تن در شش ماهه نخست سال ۱۳۷۲، موید این مطلب می‌باشد. در سال ۱۳۷۳، این شرکت بالغ بر ۳۰ هزار تن پنیر تولید خواهد نمود. طی نه ماهه نخست سال ۱۳۷۱ توسط شرکت صنایع شیر ایران، بالغ بر ۴۵۸۱۳۷ تن شیرخام دریافت گردیده که پنیر تولید شده از بخشی از آن، ۸۶۹۴ تن بوده است.<sup>(۳)</sup> در این صورت نسبت تولید پنیر به شیرخام دریافتی حدود ۲ درصد قابل محاسبه می‌باشد. طی نه ماهه نخست سال ۱۳۷۲ با افزایش میزان شیرخام دریافتی به

۵۳۶۲۹۰ تن و افزایش تولید پنیر به ۱۶۳۵۶<sup>(۱)</sup> تن، نسبت مزبور به ۳/۱ درصد ارتقاء یافته است.

در حال حاضر، کلیه نیازهای داخلی در خصوص شیرخشک مورد نیاز کارخانجات در داخل تولید می‌گردد. تولید این فرآورده در نه ماهه اول سال ۱۳۷۲ بالغ بر ۳۰۵۵ تن بوده که در مقایسه با نه ماهه

اول سال ۱۳۷۱ (۵۱۶ تن)، ۴۹۲ درصد افزایش نشان می‌دهد.<sup>(۲)</sup> طی شش ماهه اول سال ۱۳۷۲، تولید مزبور در مقایسه با دوره مشابه سال ۱۳۷۱، ۳۸۸ درصد افزایش یافته و به ۲۱۵۷ تن رسیده است.

جنبه‌های مصرف، تجارت خارجی و قیمت‌ها در شماره بعدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

(۱). پنیر تولیدی کارخانجات غیر وابسته به شرکت صنایع شیر طی نه ماهه نخست سال ۷۲، بالغ بر ۲۰۰۰ تن بوده است.

(۲). بزرگبر، پیشین.

## فهرست منابع و مآخذ

- (۱)- مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی، اطلاعات بازرگانی، شماره ۴ تهران: مرکز تهیه و توزیع مواد غذایی، بی تا.
- (۲)- جراح‌باشی‌رضوی، احمد، "تولید پنیر صنعتی"، کشاورز، شماره ۱۵۳ (شهریور ۷۱).
- (۳)- احسانی، محمدرضا، "پنیرسازی در ایران"، سنبله، شماره ۷، (بهمن ۶۷).
- (4)- U.N, **The Milk and Dalry Products Market**, New York: UN Pub., 1989.
- (5)- FAO, **Production Yearbook, 1990**, Rome: FAO Pub., 1991.
- (6)- FAO, **Commodity Review and Outlook, 89-90**, Rome: FAO Pub., 1989.
- (7)- FAO, **Commodity Review and Outlook, 90-91**, Rome: FAO Pub., 1991.
- (8)- FAO, **Commodity Review and Outlook, 91-92**, Rome: FAO Pub., 1992.
- (9)- FAO, **Commodity Review and Outlook, 92-93** Rome: FAO Pub., 1993.
- (10)- FAO, **Food Outlook**, December 1993, No.12.
- (۱۱)- طائی، علی‌اصغر، شیر تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، خرداد ۷۱.
- (۱۲)- مجله برزگر، شماره ۶۶۹ (اول بهمن ۱۳۷۲).
- (۱۳)- فهیمی‌فر، جمشید، بازار جهانی لبنیات تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تیر ۷۰.
- (۱۴)- مصرف سرانه شیر، روزنامه همشهری، شماره ۳۱۷ (۷۲/۱۱/۳).
- (۱۵)- تولید پنیر خوشمزه ایرانی، مجله کشاورز، شماره ۱۵۵ (آبان ۷۱).
- (۱۶)- احسانی، محمدرضا. پنیرسازی، مجله سنبله، شماره ۸ (اسفند ۶۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی